



۷۹

جمادی الثانیہ ۱۴۴۴ دی ماہ ۱۴۰۱

دوہفتہ نامہ فرهنگی خانہ طلاب جوان

پویشی برای ترسیم سیمای «طلبہ عصر انقلاب»

قیمت: پنج هزار تومان

شماره کارت: ۵۸۹۲۱۰۱۳۵۹۵۶۱۳۶۸

به نام فرہاد نقدی ملومہ

دریافت نسخه مجازی
از طریق کانال نشریہ عہد
@nashriyehd



انقلابی آرمانگرا

گفتگو با حجت الاسلام امیدی
پیرامون شخصیت میرزا کوچک خان جنگلی

ویژہ نامہ: میرزا کوچک خان جنگلی

فحطی بزرگ
● محمدعلی افضلی

دو نہضت
● مرتضی عبداللہی

نفوذ
● فتح اللہ کشاورز

نہضت تبیین
● استاد زاد حسینی

احیاگر ہویت ایرانی

صفحہ ۱۳

برش هایی از زندگی سیاسی میرزا کوچک خان جنگلی





سرآغاز | بیانات مقام معظم رهبری پیرامون میرزا کوچک خان جنگلی

مینیاتور جمه

قضیه‌ی مرحوم میرزا، کوچک جنگلی یک قضیه‌ی ویژه است؛ اگرچه در آن دوره‌ی خاص، یعنی در دوره‌ی فاصله‌ی بین مشروطیت و سرکار آمدن رضاخان، حوادث گوناگونی در کشور به وجود آمده و هم‌زمان با نهضت جنگل، چند کار بزرگ دیگر هم در گوشه و کنار کشور، مثل مرحوم شیخ محمد خیابانی در تبریز، یا گلنیل محمدتقی خان بسیار در مشهد اتفاق افتاده که این‌ها همه تقریباً هم‌زمان است، لکن قضیه‌ی جنگل یک قضیه‌ی ویژه است. خب ما قضایای تبریز را و حضور مرحوم شیخ محمد خیابانی و این‌ها را خوب میدانیم، هم در تاریخ نوشته شده و هم قضایای خصوصی و اطلاعات زیادی داریم، اما آن صیغه‌ی مردمی و نجابتی که در کار مرحوم میرزا کوچک خان جنگلی هست، در هیچ‌کدام از این دو سه کار دیگری که هم‌زمان در آن دوره در سرتاسر ایران اتفاق افتاد، نظیر ندارد. میرزا کوچک یک روحانی است، یک طلبه است. البته من شنیده بودم، نقل شد برای ما از سال‌ها پیش که ایشان مرحوم میرزای شیرازی را درک کرده، لکن خیلی باورکردنی نیست. این را مرحوم پدرم نقل می‌کرد از مرحوم آسید علی اکبر مرعشی که شوهر خواهر پدر ما بود، یعنی باجناب مرحوم شیخ محمد خیابانی بود که او از بزرگان علمایی بود که در تهران منزوی بود؛ او گفته بود که میرزا کوچک درس میرزا را درک کرده. به نظرم نمی‌آید این خیلی قابل تأیید باشد، زیرا که سن میرزا کوچک در وقتی که میرزای شیرازی از دنیا رفته، چهارده پانزده سال بیشتر نبوده، بعید به نظر می‌رسد که ایشان توانسته باشد مرحوم میرزای شیرازی را درک کند؛ لکن در اینکه طلبه بوده است، در اینکه روحانی بوده است، هیچ شکی نیست؛ در حوزه‌ی خود رشت، بزرگانی هم در آن وقت بوده‌اند که می‌توانسته از آن‌ها استفاده کند، در این هیچ تردیدی نیست. بنابراین منشأ حرکت میرزا کوچک خان یک منشأ صد درصد دینی و اعتقادی است.

رفتار او هم یک رفتار دینی و اعتقادی است، یعنی انسان مشاهده می‌کند باینکه در درون تشکیلات خودشان مخالفینی داشت، بعضی از اقلشار گوناگون ممتاز هم با او مخالفت می‌کردند، اما مرحوم میرزا کوچک در برخورد با این‌ها کاملاً حدود شرعی را

وری اسلامی

رعایت می‌کرده و اهل درگیری با داخل نبوده. مثلاً کسانی بودند که مخالفت‌های اعتقادی با ایشان داشتند؛ همراهان ایشان - آن افراطی‌ها - می‌گفتند این‌ها را بزنیسم سرکوب کنیم! میرزا کوچک نمی‌گذاشته، جلوی این‌ها را می‌گرفته و مانع می‌شده از اینکه این کار را بکنند؛ یعنی رفتار هم یک رفتار دینی است.

و حرکت، یک حرکت صد در صد اسلامی و ایرانی است. خب آن زمان، غوغای نهضت مارکسیستی و تشکیل شوروی و هیاهویی که در دنیا و در بین ملت‌ها راه افتاده بود و جاذبه‌ای که برای بعضی از ملت‌ها به وجود آورده بود، طبعاً یک عده‌ای را مجذوب خودش کرده بود و دوروبری‌های ایشان هم از این طریق به ایشان خیانت کردند؛ لکن این مرد، هم به خاطر پابندی‌اش به اسلام جذب تفکر مارکسیستی نشد و به‌طور صریح و قاطع آن نظریه را رد کرد، با اینکه نزدیک‌ترین‌هایی که با او از اول همراه بودند، گرایش پیدا کردند؛ البته آن‌ها هم ناکام از دنیا رفتند، هیچ‌کدام آن‌ها هم خیری از این زندگی ندیدند و از آن جریان هیچ خیر و تجاوب جوانمردانه‌ای مشاهده نکردند، (مرحوم میرزا) هم با اجنبی مخالف بود؛ یعنی چون سیاستی بود که از طرف اجانب بود، با اینکه این‌ها مقابله‌شان با دستگاه‌های حاکم مثل انگلیس و روس‌های قزاق و مانند این‌ها بود، اما در عین حال به آن طرف هم جذب نشد؛ استقلال را حفظ کرد. یک نمونه‌ی خیلی برجسته‌ای است میرزا کوچک خان؛ خداوند ان شاء الله در جاتش را عالی کند.

البته کتاب درباره‌ی میرزا کوچک زیاد نوشته شده. خوشبختانه اخلاص این مرد موجب شده که برخلاف دیگر کسانی که در این مبارزات و مانند این‌ها وارد شدند، اسمش سر زبان‌ها باشد و همه او را بشناسند، در حالی که خیلی از این کسانی را که من اشاره کردم مردم اصلاً نمی‌شناسند و اسمشان را هم نشنفته‌اند، لکن ایشان در بین مردم شناخته شده است، کتاب درباره‌اش نوشته شده. سعی بشود یک کار جامع و دارای نکته - نکته‌های اساسی زندگی او - به وجود بیاید، تا ان شاء الله چهره‌ی او بیشتر در بین مردم ما، جوان‌های ما شناخته بشود.

یک واحد مینیاتوری را ایشان از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی را در رشت و در همان محدوده‌ی خاص خودش - گیلان - به وجود آورده. (بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره بزرگداشت میرزا کوچک خان جنگلی)



قحطی بزرگ

بازخوانی کارنامه نهضت اسلامی جنگل در قحطی بزرگ

نویسنده: محمدعلی افضلی



جنگ جهانی اول، برای کشورهای بسیاری فلاکت و بیچارگی را به بار آورد و انسان‌های بی‌گناه فراوانی را طعمه هوسرانی و قدرت‌طلبی مستکبرین آن زمان کرد. اما خسارت‌های سنگین این جنگ برای کشورهای بی‌دفاعی چون ایران که از داشتن مسئولین باکفایت و باتدبیر محروم بودند صدها و هزارها برابر شد. یکی از خسارت‌های جبران‌ناپذیر و غیرقابل‌توصیف این جنگ در ایران، قحطی مرگ‌باری بود که به کشورمان تحمیل شد و ده‌ها میلیون ایرانی را به کام مرگ کشاند. در این شرایط که کل ایران درگیر بحرانی هولناک بود و از سردمداران بی‌غیرت کشور نیز خبری نبود؛ در استان گیلان اوضاع متفاوت بود و مطابق با اسناد به‌جامانده از سفارت آمریکا در ژانویه ۱۹۱۸ (دی-بهمن ۱۲۹۶ ه. ش) گیلان از چنگ قحطی آزاد شده بود و در این زمینه نهضت جنگل، با هدایت‌گری جمعی از مجتهدان سرشناس گیلان در کمیته و جمعیت اتحاد اسلام به‌عنوان نهاد دینی بالادستی نهضت جنگل، نقش حیاتی داشت. نهضت جنگل به رهبری روحانی مجاهد، میرزا کوچک جنگلی، با پشتوانه مردمی فراگیر و تشکیلاتی توانمند خود، باعث شد که گیلان ضمن آنکه در برهه زمامداری نهضت جنگل کم‌ترین آسیب را از قحطی فراگیر ببیند، مردم تهران را نیز نجات دهد. تاریخ گواهی می‌دهد



که اگر نقش حیاتی نهضت جنگل نبود، معلوم نبود چند درصد مردم پایتخت ایران از خطر حتمی مرگ نجات می‌یافتند.

مروری بر مرام‌نامه کمیته اتحاد اسلام

مرام‌نامه کمیته اتحاد اسلام، به‌عنوان سند بالادستی نهضت جنگل، بهترین سند برای تحلیل ماهیت این جنبش دینی و مردمی است. این مرام‌نامه مدتی پس از آغاز تحرکات سیاسی جنگلیان، تحت عنوان «مرام‌نامه و نظام‌نامه ایران، کمیته اتحاد اسلامی گیلان» منتشر شد که ابتدا تا انتهای آن منطبق بر مرام اسلامی است و گواهی بر وجود هیئتی از مجتهدین برجسته به‌عنوان پشتوانه این حرکت. در ابتدای مرام‌نامه بعد از مقدمه به مهم‌ترین آرمان‌های جنبش جنگل به شرح زیر اشاره شده است:

۱. حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران و رفع تجاوزات اجانب
 ۲. تحکیم مبانی حکومت ملی
 ۳. محافظت از اصول و قوانین مقدس اسلام
- شهید میرزا کوچک جنگلی بر اساس مرام اسلامی خود عمل کرد و ضمن مبارزه با اجانب و بیگانگان که شرح آن در تاریخ گذشته است؛ نظام سیاسی و اداری کوچکی را در گیلان به وجود آورد که به تعبیر مقام معظم رهبری «یک واحد مینیاتوری از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی» در آن منطقه بود. و این تجربه موفق تاریخی، برکات فراوانی برای ایران داشت که نجات مردم از خطر مرگ و قحطی انگلیسی، تنها یکی از این برکات بود.

کارنامه نهضت جنگل در ماجرای قحطی بزرگ

کارآمدی ساختار انقلابی و اسلامی «جمعیت اتحاد اسلام» در مدت کوتاه عمر خود آشکار شد به‌گونه‌ای که اجانب و بیگانگان نیز به آن اذعان داشتند. این کارآمدی به‌صورت مشخص در جریان «قحطی بزرگ» که حتی پایتخت کشور را نیز در خود بلعیده بود آشکار بود. در این زمینه «موری»؛ کاردار سفارت ایالات متحده آمریکا در گزارش خود از «کمیته اسلامی» سخن می‌گوید که به قحطی‌زدگان بروج می‌رسانند. (قحطی بزرگ محمدقلی مجد، ۱۳۸۷، ص ۱۳۹) که منظور از این کمیته اسلامی همان جمعیت اتحاد اسلام ایران به رهبری میرزا کوچک خان جنگلی است.

همچنین در این زمینه؛ نامه‌ای از ژنی. ای. داگلاس از بیمارستان آمریکایی در تهران در تاریخ ۱۵ ژانویه ۱۹۱۸ (۲۵ دی ۱۲۹۶) وجود دارد که در آن اذعان شده «بهترین اقدامات امدادی که تاکنون دیده شده توسط نهضت جنگل صورت گرفته است».

اقدامات کمیته انقلابی تحت اشراف میرزا کوچک خان چند شاخصه برجسته داشته است:

۱. ساختار سازی مناسب برای مقابله با بحران.
 ۲. فراگیر بودن کمک‌های کمیته که شامل کمک‌های مالی و آذوقه و تأمین مکان برای پناهندگان می‌شد.
 ۳. نظارت بر بازار و جلوگیری از سوء استفاده‌ها و صادرات بی‌رویه در شرایط قحطی.
 ۴. استفاده از ظرفیت مواسات مردمی و به‌کارگیری ثروتمندان برای تأمین نیازهای فقرا.
 ۵. بی‌نیازی از دشمنان بیگانه.
 ۶. کارآمد بودن تشکیلات اسلامی در مقابله با بحران فراگیر قحطی.
- که تمام این ویژگی‌ها ریشه در مرام اسلامی این تشکیلات داشت. یک تشکیلات اسلامی در شرایط بحرانی بنا به وظیفه اسلامی و انسانی تلاش خود را در جهت تأمین حداکثری جامعه به کار می‌گیرد و در برابر ظلم سوء استفاده گران ایستاده و مواسات اسلامی را در جهت تأمین قشرهای مستضعف به کار می‌گیرد و در نهایت دست خود را به سوی بیگانگان دراز نمی‌کند.





خواستیم استقلال ایران حفظ شود

نویسنده: امیر حسین فردی

میدان شلوغ بود. جمعیت از هر طرف می آمدند. چند اسب و قاطر در گوشه و کنار میدان دیده می شد که به حال خود رها شده بودند. عده‌ای روی گاری‌ها نشسته بودند و چشم به پنجرهٔ خانهٔ دو طبقه‌ای دوخته بودند که به نظر می رسید میرزا از آنجا بیاید. بعضی از زن‌ها هم از روی بام‌ها سرک می کشیدند. طولی نکشید که دولته بزرگ پنجره آبی رنگ باز شد و میرزا پا به ایوان گذاشت. مردم با دیدن قامت بلند سردار جنگل، شروع به ابراز احساسات کردند. عده‌ای صلوات فرستادند. تعدادی کف زدند. بعضی‌ها «زنده باد میرزا» گفتند و چند نفر سوت زدند. مناف هیجان زده به مونس گفت: «می بینی؟ خودش است؛ میرزای ماست!» میرزا بعد از آنکه چند بار برای مردم دست تکان داد و سر خم‌اند، شروع به صحبت کرد:

بسم الله الرحمن الرحيم وصل الله على محمد و آله الطاهرين. برادران و خواهران، اهالی محترم انزلی و همه گیلانیان، پس از آن واقعه ناخوشایند که در اینجا اتفاق افتاد و گلوله‌های توپ، موجب مجروح شدن عده‌ای شد و قضایای دیگر، برای اینکه از این قبیل وقایع دیگر رخ ندهد، پس از مذاکرات اولیه، قراردادی با نمایندگان دولت شوروی نوشتیم. در این قرارداد، چگونگی همکاری ما با دولت انقلابی شوروی معلوم و مشخص شده است. اصل قرارداد در روزنامه جنگل منتشر خواهد شد. اما من در اینجا به چند بند مهم آن اشاره می کنم.

از جمله این موارد عبارت‌اند از:

۱. عدم اجرای اصول کمونیسم، از بابت گرفتن اموال مردم.

۲. ممنوع بودن تبلیغات کمونیستی در گیلان.

۳. تشکیل حکومت موقت جمهوری انقلابی در گیلان.

به خواست خداوند، وقتی به تهران وارد شوم، آن وقت نوع حکومت را نمایندگان مجلس، که منتخب مردم سراسر ایران خواهند بود، تعیین خواهند کرد. این‌ها مهم‌ترین بندهای

قرارداد ما و هیئت شوروی بود. ما خواستیم تا استقلال

ایران حفظ شود و هیچ‌کدام از طرفین در امور داخلی

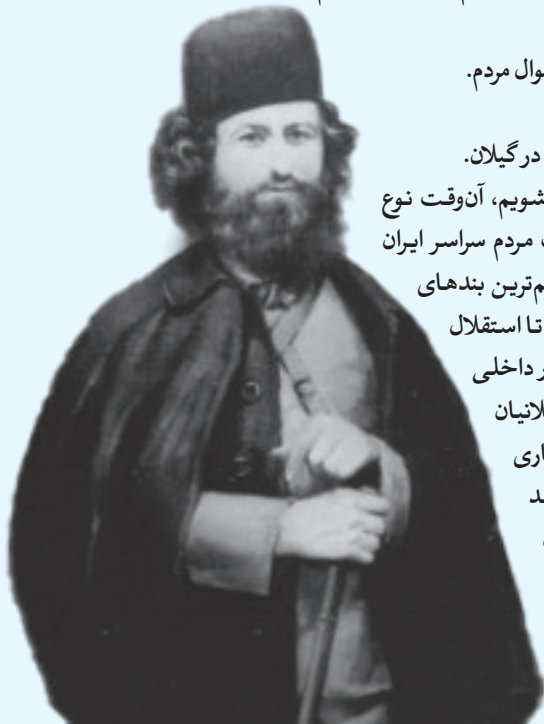
یکدیگر دخالت نکنند. از همه شما گیلانیان

غیور و هم‌وطنانم تقاضا می کنم که با هوشیاری

و آگاهی، از انقلاب خودتان حمایت کنید

و نگذارید که این شعله امید مردم ایران

خاموش بشود. (والسلام علیکم ورحمة الله)



دونهضت

برش‌هایی از زندگی سیاسی میرزا کوچک خان جنگلی

یادداشت | مرتضی عبداللہی

حرکت و نهضت اجتماعی فرهنگی جنگل به رهبری روحانی مجاهد میرزا کوچک جنگلی به‌عنوان طولانی‌ترین نهضت تاریخ معاصر قبل از پیروزی انقلاب اسلامی که برآمده از فکر رهبران روحانی آن بود، شباهت‌های بسیاری با حرکت امام خمینی در انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی دارد که برخی از این تطبیقات را در قالب ابعاد آرمانی و عملکردی نهضت جنگل در مقایسه و تطبیق با جمهوری اسلامی اشاره خواهیم کرد. اصول این تطبیقات در فرمایشات مقام معظم رهبری نیز منعکس بوده که معظم له، نهضت میرزا کوچک را یک حرکت صد درصد اسلامی و مینیاتوری از نظام اسلامی توصیف کرده‌اند. مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های نهضت جنگل که در روزنامه جنگل، بیانات و پیام‌های رهبران آن منعکس است عبارت است از: استکبارستیزی و استعمارستیزی که دقیقاً آنکابر توان داخلی در برابر دشمن خارجی و قطع تسلط آنان بر ایران و حفظ استقلال ایران و سعادت ایرانیان از شعارهای اصلی ایشان بود که عیناً با شعار نه شرقی و نه غربی مطرح شده در انقلاب اسلامی که یکی از اصول اصلی سیاست جمهوری اسلامی است منطبق است.

اتحاد اسلام و وحدت مردم ذیل اندیشه «انما المومنون اخوه» که از مهم‌ترین استراتژی‌های جمهوری اسلامی در گسترش چتر حمایتی اسلامی است، نیز در نهضت جنگل به‌وضوح قابل مشاهده است. پررنگ بودن شعارهای قیام حسینی و الگوبرداری از فرهنگ ایثار و شهادت در اندیشه رهبران نهضت، نوع مواجهه استکبار و اتحاد همه کفر اعم از استعمار انگلیس و روس و نفوذی‌ها و خائنین داخلی در مقابله با نهضت جنگل که عیناً اکنون نیز دشمنان با همه اختلافاتی که در میانشان هست ولی در دشمنی با جمهوری اسلامی با یکدیگر متحد می‌شوند. ایجاد هسته‌های دینی برای گسترش دامنه نهضت که در نظام اسلامی نیز بیشترین توجه به مجامع دینی و فرهنگی می‌شود. ایجاد جبهه مقاومت اسلامی در مشارکت با گروه‌های همفکر که از تلاش‌های میرزا کوچک شهید ناشی شد و در جمهوری اسلامی نیز ایجاد جبهه مقاومت جهانی به‌وضوح به چشم می‌خورد.

یکی دیگر از ارکان تشابه و تطبیق نهضت میرزا کوچک با جمهوری اسلامی در جایگاه و شخصیت رهبران آن است. هیئتی متشکل از چند مجتهد مسلم به‌عنوان هیئت اتحاد اسلام و رأس و بنیان‌گذار نهضت در ابتدا و بعد تشکیل مجلس نخبگانی برای تمشیت امور نهضت یکی از شباهت‌های این دو جریان اجتماعی است. جایگاه مشورتی و تصمیم‌گیری علما و روحانیون در ساختار سازی، نحوه





**مهم ترین اهداف نهضت
جنگل استکبارستیزی و
استعمارستیزی است که
عیناً با شعار نه شرقی و نه
غربی مطرح شده در انقلاب
اسلامی منطبق است.**



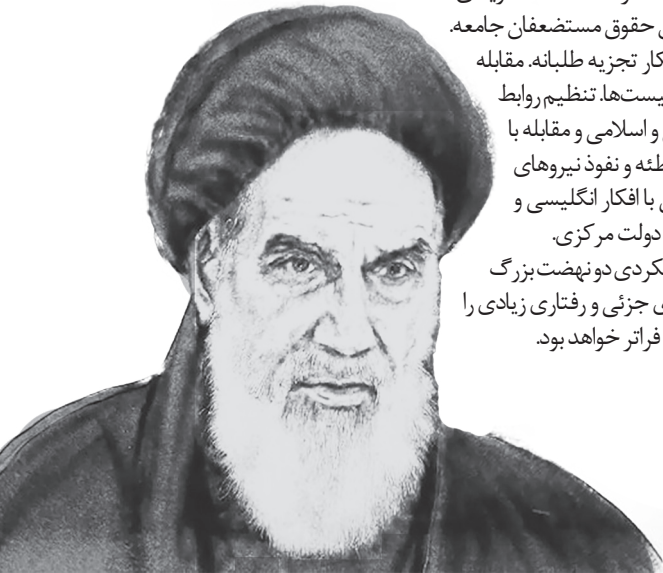
همراه ساختن خواص جامعه با رهبران نهضت در طرح مسائل ایدئولوژی و وارد میدان کردن شخصیت‌های علمی و فرهنگی، عمل به اندیشه جذب حداکثری و دفع حداقلی در همراهی و استفاده از جریان‌های مختلف جامعه و حتی میدان دادن به هسته‌های فکری مخالف، ایجاد امنیت پایدار توسط میدان دادن به مردم در شهرها و روستاها، ارتباط مستقیم و بدون واسطه رهبران نهضت با مردم و شنیدن نظرات ایشان، ترویج افکار بلند همراهی و همدلی مردم در چند برهه سخت اجتماعی اقتصادی در نهضت جنگل همچون کمک‌های مؤمنانه به اقصاب نقاط ایران از جمله تهران توسط نهضت و تزریق آن به بدنه عمومی مردم، شیوه بیان و اعلان جمهوری نهضت با استقبال مردمی و سر زدن به قبور شهیدان راه نهضت در ابتدای راه از جمله مسائل مهم تطبیق اندیشه‌ای و عملکردی رهبران نهضت در مقایسه با جمهوری اسلامی است. علاوه بر این‌ها شخصیت خود میرزا کوچک در تعصب و تقید به حدود الهی در رفتارهایش که حتی

دشمنان او هم به آن اذعان داشتند، دغدغه مندی دینی و نگاه اسلامی او به حل مسائل پیشرو، پابندی او بر وجهه روحانیت و درس دینی که در طول سال‌ها با آن‌ها مانوس بود، تحمل جانبازی و تبعید در راه رسیدن به هدف مقدس و فرماندهی در میدان و در دل خطر بودن، از وجوه بارز شخصیت میرزا کوچک است که فکر و مرام او را با مرام رهبران جمهوری اسلامی منطبق می‌سازد.

ورکن سوم، بحث ساختارها در نهضت میرزا کوچک در مقایسه با جمهوری اسلامی است که از جمله آن‌ها می‌توان به قانون و چشم‌انداز متعالی و صدور صد اسلامی نهضت جنگل که به‌عنوان مرام‌نامه هیئت اتحاد اسلام و نظام‌نامه آن منتشر و توزیع گردیده، اشاره کرد. پشتوانه فقهی در تدوین و تنظیم قوانین از جمله تدوین کتابچه تسویه حقوق برای حل روابط بین مالکین و رعایا و دهقانان که توسط یک مجتهد و مرجع دینی در منطقه به نگارش درآمد. تنظیم سیستم قضایی اسلامی و تشکیل دادگاه‌های صالحه و جلوگیری از برخورد خودسرانه نیروها در حل مشکلات و آسیب‌های جامعه، بستن مراکز فسق و فجور و برخورد شدید با اشرار و ظالمین - حتی داماد شاه که در منطقه املاک زیادی داشت

- از جمله در رفتار خان‌های ظالم و ستاندن حقوق مستضعفان جامعه. تقویت مجامع و مراکز دینی و مقابله با افکار تجزیه طلبانه. مقابله با جریان‌های فکری منحرف از جمله کمونیست‌ها. تنظیم روابط داخلی و خارجی بر مبنای اصل عزت ملی و اسلامی و مقابله با وادادگان به شرق و غرب و بر ملاً کردن توطئه و نفوذ نیروهای اجنبی. مقابله صریح، شفاف و عملیاتی با افکار انگلیسی و روسی در کمک به تقویت قدرت داخلی و دولت مرکزی.

همه این‌ها از اصول مهم تشابه فکری و عملکردی دو نهضت بزرگ تاریخ معاصر ایران است که البته نمونه‌های جزئی و رفتاری زیادی را می‌توان برشمرد که از حجم این یادداشت فراتر خواهد بود.





نقد و

یادداشت | فتح‌الله کشاورز

امروزه در بعضی از کشورهای غربی، وزارتخانه‌ای درست کرده‌اند و افراد بازنشسته را به کار می‌گیرند تا از تجربه‌های مفید آن‌ها بهره‌مند شوند. در مرامنامه نهضت جنگل آمده است: «باید از تجربه‌های کسانی که به سنین بالا می‌رسند و بازنشسته می‌شوند به‌خصوص در عرصه‌های فرهنگ و آموزش استفاده شود». نهضتی‌ها درعین حال که باید با دشمنان داخلی و خارجی می‌جنگیدند و فشارهای فراوان مالی و تسلیحاتی و انسانی را تحمل می‌کردند، اما درعین حال به فکر باسواد کردن مردم هستند و همین‌که اندک فرصتی به دست می‌آوردند مدرسه می‌سازند و به نیروهای خود و فرزندان مردم، سواد می‌آموزند، زبان یاد می‌دهند، آموزش‌های دینی می‌دهند و در جهت ارتقای آگاهی‌های علمی، سیاسی و اجتماعی مردم تلاش می‌کنند. از مرامنامه نهضت و نیز از رفتار اعضای نهضت کاملاً مشخص است که آدم‌های آگاه، باسواد، معتقد و مترقی در رأس امور بودند که از شیوه‌های نوین استفاده می‌کردند و درعین حال که با اشغال خارجی می‌جنگیدند، به دنبال توسعه همه‌جانبه هم بودند. آن‌ها در زمینه‌های اقتصادی واقعاً کارهای جالبی کردند و در بحث عدالت افکار بسیار جالبی داشتند.

دکتر حشمت

دکتر حشمت جنگلی طالقانی هم شخصیت قابل تأملی است. او یک پزشک دلسوز و متعهد است که به جای این‌که مطب بزند و با خاطر آسوده به کار طبابت بپردازد، به کمک میرزا می‌رود و به نهضت جنگل می‌پیوندد و هم‌زمان با مبارزه با دشمن، در منطقه، پروژه‌های کشاورزی زیربنایی را راه‌اندازی می‌کند، کانال میزند، مدرسه می‌سازد و کارهای ارزشمندی از این قبیل را انجام می‌دهد. انسان وقتی شرایط فوق‌العاده



دشوار این آدم‌ها را تحلیل می‌کند که از یک سو با روس و انگلیس و حتی خود دولت ضعیف و بی‌لیاقت مرکزی روبه‌رو بودند و از سوی دیگر خدمات اقتصادی اجتماعی نوینی را انجام دادند، واقعاً دچار حیرت می‌شود خودمان جنگ هشت ساله را از سر گذرانندیم و یادمان است که در بسیاری از زمینه‌ها از جمله اقتصاد توقف داشتیم، اما جنگلی‌ها با امکانات محدود در شرایط سخت جنگل و درحالی‌که در محاصره حکومت‌های بیگانه و حکومت داخلی بودند، بازهم به توسعه اقتصادی و اجتماعی، سوادآموزی مدرسه‌سازی آموزش قرآن، کشاورزی، حفر کانال و... اهتمام می‌ورزیدند.

ارکان اصلی نهضت جنگل

از نظر خود میرزا، دو رکن اصلی در حرکت جنگل موضوعیت داشت. یکی پیاده کردن اصول اعتقادی و دوم حفظ استقلال کشور. اگر میرزا اعتقادات دینی نداشت، قطعاً به شکل دیگری با روسیه ارتباط برقرار می‌کرد، اما چون مسلمان معتقدی بود، روس‌ها نتوانستند به اهدافشان برسند. میرزا خیلی واضح و صریح به آن‌ها اعلام کرد: «ما یک ملت مسلمان و معتقد هستیم و فقط تا جایی می‌توانیم با دیگران همکاری کنیم که به اعتقاداتمان آسیب نرسد». متأسفانه هیچ‌یک از عناصری که از همان ابتدا یعنی تشکیل هیئت اتحاد اسلام به میدان آمدند ظرفیت و عمق اعتقادی میرزا را نداشتند. از همه آدم‌ها هم نمی‌توان توقع داشت که ظرفیت وجودی‌شان بالا باشد، هرکسی تا جایی ادامه می‌دهد که می‌تواند، جدا شدن دکتر حشمت از نهضت برای میرزا بسیار سنگین بود و در واقع کمر او را شکست. همین‌طور رفتن احمد کسمایی که از لحاظ مالی هم کمک بزرگی بود و از آن مهم‌تر این‌که در منطقه، آدم شناخته‌شده‌ای بود و خیلی‌ها به سبب حضور او به نهضت پیوسته بودند، وقتی او رفت آن‌ها هم رفتند.

این‌ها آسیب‌هایی بودند که رفتن سران نهضت به نهضت وارد کرد اما نمی‌شود گفت قصد آن‌ها این بود که به نهضت آسیب برسانند، آن‌ها رفتند چون دیگر بیش از این نمی‌کشیدند و ظرفیتش را نداشتند. حاج احمد کسمایی و دکتر حشمت هم مثل میرزا به روس‌ها بدبین بودند، منتهی فرقی‌شان با میرزا این بود که آن‌ها علاج کار را در نزدیک شدن به دولت ایران دیدند و تسلیم شدند و به این ترتیب بزرگ‌ترین ستم تاریخی به میرزا شد. باینکه میرزا همیشه شش‌دانگ حواسش جمع بود، اما در جاهایی چاره نداشت و باید به حداقل‌ها تن می‌داد، میرزا یک انسان آرمان‌گراست. در عین حال واقع‌بین است و تلاش



میرزا به آزادی و مبارزه
با استعمار و نفی اشغال
کشور توسط خارجی‌ها
به شدت معتقد بود.





می‌کند بدبینی را به خود راه ندهد و امیدوار باشد که یارانش تا آخر خط همراهی‌اش کنند که البته نمی‌کنند، میرزا به آزادی و مبارزه با استعمار و نفی اشغال کشور توسط خارجی‌ها به شدت معتقد بود به همین دلیل هر عاملی را که در جهت تحقق این اهداف کمکش می‌کردند می‌پذیرفت. شاید تنها ایرادی که بشود به میرزا گرفت این است که نباید امثال خالو قربان، رضا افشار و خالو مراد را از همان ابتدا راه می‌داد یا دست‌کم اجازه رشد به آن‌ها نمی‌داد اما گاهی هم می‌بینیم کس دیگری در اطراف میرزا نبود و چاره‌ای نداشت.



از نظر میرزا، دو رکن اصلی در حرکت جنگل موضوعیت داشت. یکی پیاده کردن اصول اعتقادی و دوم حفظ استقلال کشور.



ضدقهرمان‌های جنگل

در مورد عناصر نفوذی به نظر من حتی افرادی مثل احسان ... خان را هم که خیانت‌های آشکاری به نهضت کردند نمی‌شود نفوذی محسوب کرد واقعیت این است که وقتی حرکتی در کشوری شروع می‌شود در ابتدا افراد مختلف با گرایش‌های متفاوت می‌آیند و به نهضت می‌پیوندند. در مورد نهضت جنگل هم در پیوستن اشخاص محدودیتی وجود نداشت. هدف مشترک تمامی نیروهای نهضت جنگل هم اخراج نیروهای بیگانه از کشور بود و حتی نیروهای دولتی هم بدشان نمی‌آمد که در گوشه و کنار مملکت حرکت‌هایی علیه آن‌ها شکل بگیرد اما در جریان عمل به تدریج سلیقه‌های مختلف خودی نشان می‌دهند. خیلی‌ها وارد نهضت شدند که صلاحیت نداشتند. مثلاً رضا افشار که آدم معلوم‌الحالی بود و بعدها هم دارایی‌های نهضت را برداشت و فرار کرد و دست نهضتی‌ها را خالی گذاشت و پست‌های مهمی هم گرفت یا احسان ... خان که می‌گفتند بهایی هم بود و کارش به جایی می‌رسد که علیه میرزا اعلامیه می‌دهد که او ضدانقلاب است. همه این‌ها در ابتدا اهدافی داشتند و گمان می‌کردند از طریق نهضت جنگل می‌توانند به اهدافشان برسند و بعدها راهشان را جدا می‌کنند. خالو قربان هم که کارش به جایی می‌رسد که سربریده میرزا را برای رضاخان می‌برد، نمی‌شود گفت از اول به قصد نفوذ یا خیانت وارد نهضت شد او می‌خواست به هدف‌های خاص خودش برسد و اهداف عالی میرزا را اساساً درک نمی‌کرد و چون ظرفیتش خیلی کمتر از بقیه بود، کارش به خیانت کشید.



احیاگر هویت ایرانی

برش‌هایی از زندگی سیاسی میرزا کوچک خان جنگلی

یادداشت | مرتضی عبدالملهی

نبرد ترکمن صحرا

روس‌ها، برای سرکوب مشروطه، محمدعلی شاه را که از کار برکنار شده بود به ایران آوردند، او وارد ترکمن صحرا شد و ترکمن‌ها هم زیر پرچم او علم سرکشی برافراشتند. میرزا همراه با گروهی از انقلابیون روانه جنگ با او در منطقه «گمش تپه» گرگان شد و در آنجا، تیر خورد و چندی در بادکوبه در یک بیمارستان بستری گردید. میرزا را از آنجا به روسیه فرستادند و علاوه بر اینکه با ترحم و شفقت پذیرایش نبودند بلکه محمدعلی شاه دستور داد وی را طعمه ماهی‌های دریا کنند. کاپیتان کشتی «فارس» که مردی سلیم‌النفس بود زیر بار این عمل ناجوانمردانه نفت و از اجرای فرمان، سرپیچی کرده و طبیب کشتی را به مداوایش طلبید و هر دو نفر از او مواظبت کردند و به بادکوبه بردند. میرزا پس از مداوا در بادکوبه و تفلیس، به گیلان برگشته و برگشتش مقارن ختم غائله محمدعلی شاه در گمش تپه بود.

پیوستن به هیئت اتحاد اسلام در تهران

سید جمال‌الدین اسدآبادی هر جا که رسید از وحدت مسلمانان سخن گفت و طرح‌های جاودانه‌ای درافکند و سرانجام نیز جان خود را در این راه مقدس فدا کرد. هرچند سید به اهداف عالی‌ه خویش نرسید، اما طرحی را در جهان اسلام پایه‌ریزی کرد که بعدها بناهای عظیمی بر آن استوار شدند. هیئت اتحاد اسلام نیز یکی از این



بناهاست. در این سال‌ها علمای بزرگی چون سید محمدرضا مساوات، سید محمد کمراهی، سلیمان محسن اسکندری، سید یحیی ندامانی (ناصر الاسلام) میرزا طاهر تنکابنی، ادیب السلطنه سمیعی و از همه مهم‌تر، مرحوم مدرس به فکر ایجاد انجمن یا سازمانی با نام اتحاد اسلام بودند و تلاش‌های فراوانی هم کردند تا مرکزی قوی را برای مقابله با بیگانگان ایجاد کنند. اما قرعه فال به نام میرزا کوچک خان جنگلی خورد که با اندیشه‌های بلند خویش و آشنایی با اندیشه تمامی این بزرگان و از همه مهم‌تر، با آشنایی با قرآن و احکام اسلامی، این آرزو را جامه تحقّق پوشاند. میرزا برای ایجاد این هیئت با بسیاری از علما گفت‌وگو کرد و پس از رسیدن به نتایج محکم و دقیق، راهی گیلان شد و در آنجا هیئت اتحاد اسلام را پایه‌گذاری کرد. نتیجه مذاکرات در هیئت این شد که اگر کانون ثابتی علیه بیدادگری‌ها و تجاوزات بیگانگان به وجود آید، سبب خواهد شد که متجاوزین سر جای خود بنشینند. میرزا کوچک در راه تحقّق این نیت دواطلب گردید و همراه یکی از مجاهدین دوره مشروطه، یعنی میرزا علی خان دیوسالار، به مازنداران رهسپار شد. نظر میرزا علی خان دیوسالار این بود که در جنگل‌های انبوه مازندران بهتر و سریع‌تر می‌توان به تهیه مقدمات این امر پرداخت، لکن به نظر می‌رسید که میرزا با این امر موافقت نداشت و جنگل‌های گیلان را برای اقدامات خود مناسب می‌دانست، از این رو از دیوسالار جدا شد و سفر انفرادی‌اش را به سوی لاهیجان آغاز کرد و با دکتر حشمت که در آن شهر طبابت می‌کرد، ملاقات و مقدمات حرکت انقلابی جنگل را پی‌ریزی کرد.

تشکیل هسته اولیه نهضت جنگل

میرزا پس از توافق با تشکیلات اتحاد اسلام، از تهران عازم گیلان شد و هیئتی مخفی بانام اتحاد اسلام با حضور مجتهدان گیلانی به رهبری آیه الله سید عبدالوهاب صالح ضیابری برای مبارزه با اشغالگران خارجی و دولت مستبد شکل داد. بدین سان هسته اولیه نهضت جنگل در نرگستان شکل گرفت. این گروه هفده نفر عضو داشت. البته بعدها هیئت اتحاد اسلام به کمیته اتحاد اسلام تبدیل شد و اعضای آن به ۲۷ نفر افزایش یافتند و رهبری کمیته را میرزا به عهده گرفت و تا پایان سال ۱۲۹۶ شمسی، بخش وسیعی از گیلان، قسمتی از مازندران، طارم، آستارا، طالش، کجور و تنکابن زیر نفوذ کمیته اتحاد اسلام درآمد. این کمیته نهضت جنگل و حزب جنگل نیز نامیده شده است مرکز تأسیسات نظامی جنگل، گوراب زرمیخ بود.



شروع انتشار روزنامه جنگل

انتشار روزنامه جنگل که ارگان رسمی نهضت جنگل بود از ابتدای سال ۱۲۹۶ آغاز شد. نشریه‌ای سنگی، حاوی افکار عملیات جنگلیها که هفته‌ای یک بار در کسما طبع و انتشار می‌یافت. در سرلوحه روزنامه، این جملات نوشته شده بود: «نگهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان». در شماره ۱۳ این روزنامه، قیام جنگلیها به شرح زیر توضیح داده شده است: «قیام جنگلیها برای تقویت دولت و حفظ مملکت است. جنگلی وقتی اسلحه را از خود دور میکند، که مطمئن شود افراد ایرانی از تطاول متعدیان خارجی و همکاران داخلی، حائز اهمیت و واجد رفاهیت گردیده است؛ آمال قلبی جنگلیها و مرام واقعی آنها افتتاح مجلس شورای ملی، استحکام مبانی مشروطیت، راحتی ملت و محو ظلم و استبداد و قلع ریشه‌های خیانت و مصونیت وطن از تعرض دشمنان است.» روزنامه جنگل بیش از دو سال دوام نیاورد. در سال اول ۳۱ شماره و در سال دوم فقط چهار شماره منتشر شد و با برخورد به دوران فترت تعطیل گشت. این روزنامه حاوی مطالبی از هیئت اتحاد اسلام پیرامون جنگ و جهاد و مقابله با استعمار و استبداد بود.

روی کار آمدن وثوق الدوله

با روی کار آمدن دولت وثوق الدوله که عامل انگلیس بود، دنسترویل - فرمانده قوای انگلیس - با قوای خود به سوی بادکوبه به راه افتاد. وثوق الدوله که حامی و مجری سیاست‌های انگلیس بود، به این نتیجه رسید که باید نهضت جنگل را که به تهدیدی جدی برای منافع انگلیس تبدیل شده بود، از میان برمی‌داشت. او نخست سیاست تطمیع میرزا را در پیش گرفت و به او حکومت گیلان و سواحل دریای خزر را پیشنهاد داد و پس از آنکه از این سیاست نتیجه‌ای نگرفت و با مخالفت شدید میرزا روبرو شد، سعی کرد از راه ایجاد نفاق و تشتت در میان برادران نهضت، آن را از درون تضعیف و مضمحل سازد





و تا حد زیادی در پیشبرد این سیاست موفق شد.

پشتیبانی آیه الله سید حسن مدرس از نهضت جنگل

وقتی از شهید مدرس درباره نهضت جنگل و میرزا کوچک خان استفتاء می‌کنند که «آیا محاربه با جمعیتی که پنج سال است به نام اتحاد و اسلام و جنگلی‌ها در حدود گیلان، قیام و عملاً خود را به تمام اهالی ایران معرفی کرده و جز حفاظت نوامیس اسلامی و حراست استقلال مملکت و دفاع از دشمنان ایران و اسلام و قطع نفوذ و مداخلات ظالمانه و تعدیات جابرانه اجانب، مقصد و مقصودی نداشته و ندارند و تنها جمعیتی که تحت تأثیر دیگران نبود و فقط به قوای مادی و معنوی ایران اتکا داشته و حقیقتاً موجب افتخار و شرافت ایران و ایرانی است چه صورت دارد؟ آیا محاربه با این جمعیت در حکم محاربه با امام زمان نخواهد بود؟»

مرحوم مدرس در جواب نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم. حقیر از آقا میرزا کوچک خان جنگلی و اشخاصی که صمیمانه و صادقانه با ایشان هم‌آواز بودند، نیت سوئی نسبت به دیانت و صلاح مملکت نفهمیدم. بلکه جلوگیری از دخالت خارجیان و نفوذ سیاست آن‌ها در گیلان، عملیاتی بوده بس مقدم و مسجل و بر هر مسلمانی لازم؛ خداوند همه ایرانیان را توفیق دهد که نیت و عملیات آنان را تعقیب و تقلید نمایند. پرواضح است که طرفیت و ضدیت و محاربه با همچون جمعیتی مساعدت به کفر و معاندت با اسلام است. جمادی الثانیه ۱۳۳۸ حسن بن اسماعیل طباطبایی».

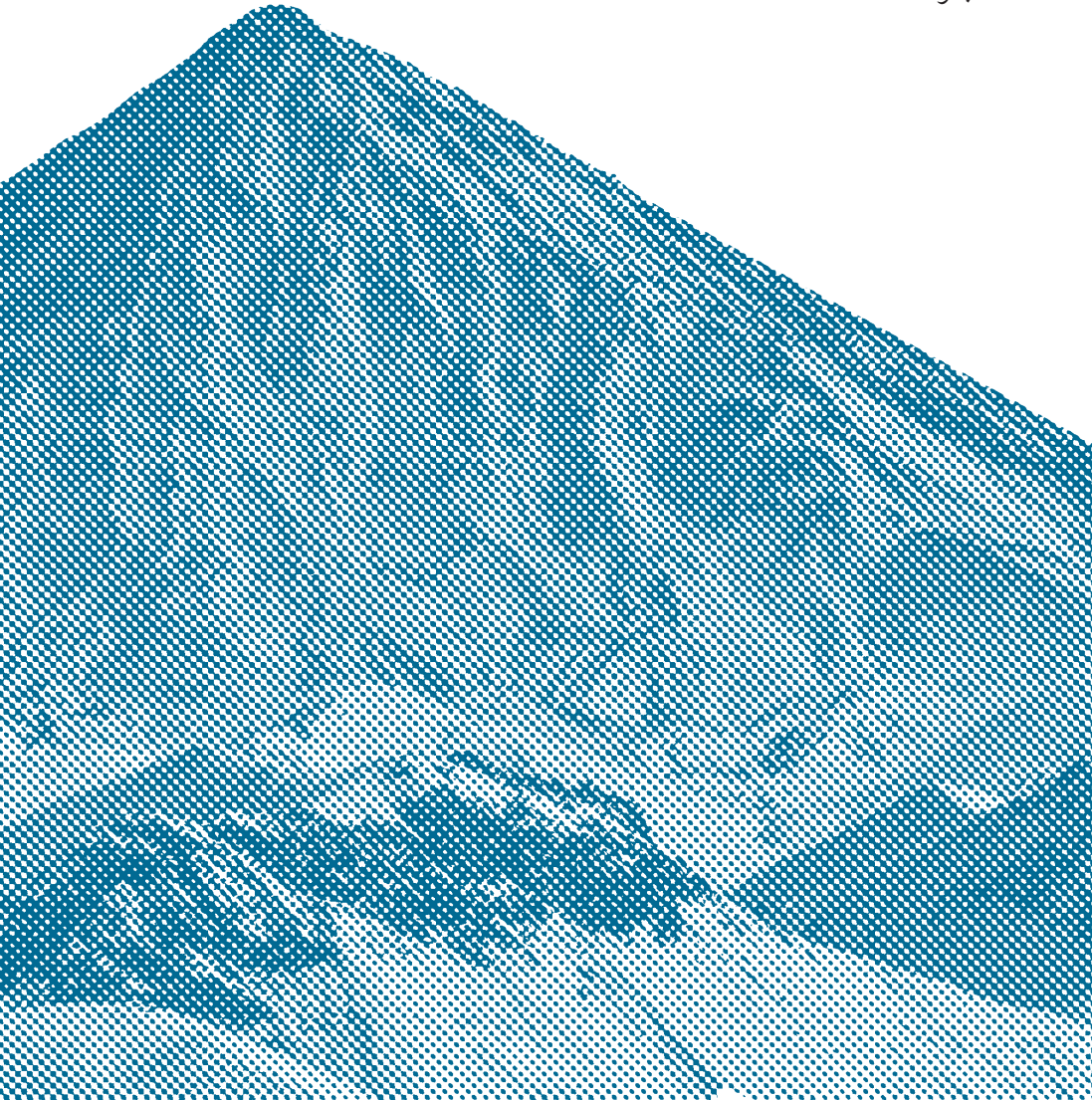
حمله رضاخان به رشت برای سرکوب نهضت جنگل

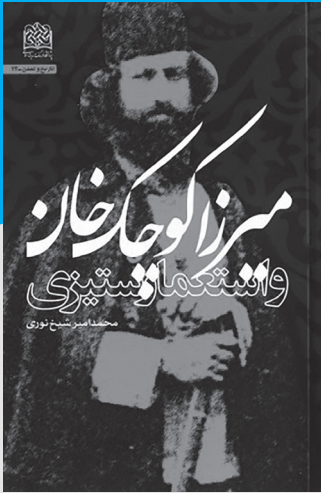
در آبان ماه سال ۱۳۰۰ قوای قزاق به فرماندهی رضاخان در پی سرکوبی نهضت جنگل می‌آیند و رشت را از تصرف کردها بیرون می‌آورند. خالو قربان خود را به رضاخان تسلیم می‌کند و به درجه سرهنگی مفتخر می‌شود. سید جلال چمنی و سید محمد تولمی نیز تسلیم می‌شوند. اینک رضاخان با همراهی نیروهایی که تار و پود جنگل را می‌شناسند و سالیانی در کنار میرزا کوچک هستند، به دنبال دستگیری میرزا کوچک برمی‌آید. مقاومت دلیرانه مجاهدان جنگل در برابر یورش قوای قزاق تحت فرماندهی رضاخان، بیش از یک ماه به طول انجامید. عده زیادی از یاران میرزا شهید، زخمی یا اسیر شدند. میرزا به سوی کوه‌های خلخال به راه افتاد تا بتواند در آنجا دوستان قدیمش را گرد آورد و دوباره قیام را آغاز نماید.



شهادت میرزا کوچک خان در کوه‌های تالش

اما برف، بی‌امان می‌بارید. شلاقِ بادهای سردِ کوه‌های بلند گیلان بر صورت رنج‌کشیده‌اش فرود می‌آمد، سرانجام، با مرگ میرزا در کوهستان‌های تالش، درحالی‌که گائوک آلمانی (معروف به هوشنگ) از یاران باوفای میرزا، آخرین نفری بود که با وی مانده بود، جنبش جنگل و جمهوری گیلان شکست خورد. به این ترتیب طومار زندگی این دنیایی مردی که با پایبند بودن به دیانت و اخلاق، به آزادی و استقلال کشورش می‌اندیشید و به سعادت آن عشق می‌ورزید، به خاموشی گرایید و برای همیشه جاودانه شد.





من و کتاب 

استعمارستیزی

قیام جنگل با همت و رهبری یکی از مردان

آزادی خواه و مبارز این سرزمین، به نام میرزا کوچک خان در منطقه گیلان به وقوع پیوست. بنا بر شواهد و قرائن تاریخی، میرزا کوچک خان مسلمانی میهن دوست بود که با انگیزه اجرای احکام دینی و جلوگیری از دخالت و تجاوز بیگانگان به وطن، به میدان مبارزه قدم نهاد و استقلال طلبی، آزادی خواهی، عدالت جویی و استعمارستیزی از ویژگی های اصلی شخصیت او به شمار می آید. مسیر قیام مردانه او بعد از اینکه به گرداب نیرنگ و توفان خیانت دچار شد، با ضلالت افکار اطرافیان میرزا، منحرف گشت؛ اما میرزا کوچک خان بر عزم و اراده خویش مصمم و پایدار ماند و بدون ترس از قدرت قزاق ها و رضاخان تا آخرین لحظه استقامت کرد و نام خویش را به عنوان یکی از مبارزان ضد استبداد و ضد استعمار در تاریخ ایران جاودانه کرد.

تاریخ زندگی و جلوه هایی از مجاهدت و استعمارستیزی مردی مبارز که خیال آزادی وطن از ظلم و جور داخلی و رهایی از غارت و چپاول استعمار خارجی را در سر داشت. به قلم دکتر محمد امیر شیخ نوری در کتابی با عنوان «میرزا کوچک خان و استعمارستیزی» به نگارش درآمده است و توسط پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر و در دسترس مخاطبان قرار گرفته است.



یادداشت صوتی | استاد زاد حسینی

نهضت تبیین

بازه زمانی ۱۲۹۳ تا ۱۳۰۰ جریان میرزا کوچک خان جنگلی اتفاق می افتد. جریان میرزا از زمان علنی شدن هفت سال طول می کشد. می توان گفت طولانی ترین نهضت مردمی است، که با شرایط سخت آن زمان توانست خار چشم دشمنان شود. در مورد حرکت میرزا، آنچه بیشتر به چشم می آید حرکت نظامی است. در حالی که اصل و اساس جریانی که میرزا مطرح می کند، یک جریان فکری و فرهنگی است و کارهایی را هم با این رویکرد انجام می دهد. از جمله ساخت مدرسه و مکتب خانه و تأسیس روزنامه جنگل. رهبری از حرکت میرزا این چنین تعبیر می کنند که: «جریان میرزا، مینیاتوری از جریان حکومت اسلامی است». وقتی حرکتش را شروع می کند، آن را در یک گروه فکری - فقهی به نام «جمعیت اتحاد اسلام» مطرح می کند که چند آیت الله در آن حضور دارند. خود میرزا هم تحصیلات سطوح عالی حوزه دارد. برخی در مورد میرزا ظلم می کنند و می گویند که میرزا چپ گراست و او را به برخی موضوعات بی اساس نسبت می دهند. اگر کسی منصفانه تاریخ را بخواند و یا صحبت های حضرت آقا را که بسیار دقیق به این نکته اشاره کرده



اصل و اساس جریانی که
میرزا مطرح می‌کند، یک
جریان فکری و فرهنگی
است.



است، مطالعه کند، می‌فهمد که دغدغه و حرکت‌های میرزا بعد از مشروطه، برای به دست آوردن استقلال ایران نسبت به دست‌اندازی‌های وسیعی بوده است که در آن زمان جریان‌اتی مثل روسیه، قزاق‌ها و انگلستان ایجاد کرده بودند. میرزا برای مقابله با این جریان‌ات، جلسات و گفت‌وگوهایی متعدد فکری و فرهنگی را تشکیل می‌دهد که خروجی این جلسات منجر به اقدام می‌شود. میرزا همچنین تشکیلات اقتصادی دارد. دقت کنید در زمانی که همه دنبال این هستند تا منابع مالی‌شان را از شرق یا غرب بگیرند که نتیجه‌اش یا اتصال به شرق است یا غرب، میرزا با یک حرکت مردمی مسئله‌های مالی‌اش را از طریق خود مردم حل می‌کند.

بخشی از مردم که کار و زندگی‌شان کشاورزی است، از دولت مرکزی تقاضا دارند که آب رودخانه به نحوی تنظیم شود که به سمت زمین‌هایشان بیاید، اما از جانب دولتی‌ها هیچ‌التهافتی به آن‌ها نمی‌شود. اما میرزا با آن‌کسانی که دور خودش جمع کرده بود، مسیر رودخانه را عوض کرد. کاری که دولت مرکزی از اجرای آن عاجز بود و یا پتفره می‌رفت. در یک دوره‌ای قحطی بزرگی در تهران پیش می‌آید. در فرازهایی از تاریخ وجود دارد که انگلیسی‌ها شروع به گرفتن رزق و روزی مردم می‌کنند و بسیاری از مردم هم کشته می‌شوند. متأسفانه باز، دولت مرکزی هیچ‌کاری انجام نمی‌دهد. اما میرزا کوچک‌خان در گیلان کار را مدیریت می‌کند و به مردم آذوقه می‌رساند و حتی به تهران هم آذوقه ارسال می‌کند. واقعاً جالب است، در کشوری که یک دولت مرکزی مشغول است، گروهی از مردمی که دغدغه دارند و برای استقلال کشور می‌جنگند، دست‌به‌دست همدیگر می‌دهند و آذوقه‌ها را سمت تهران می‌برند. یقیناً با گستره‌ای که میزان قحطی در آن زمان داشت، نمی‌توانستند همه را پوشش دهند اما بخش زیادی را نجات می‌دهند.

این‌ها فرازهایی از کارهایی بود که میرزا با گفتمانی که ایجاد می‌کند و افرادی را به واسطه همین گفتمان در اطراف خود جمع می‌کند، انجام می‌دهد. جالب است بدانید اصلی‌ترین شاخصه حرکت میرزا نظامی نبوده است. و او را وارد جریان نظامی می‌کنند. او هم هیچ‌ابایی ندارد که برای احقاق حق، این کارها را بکند. مدرسه نظامی درست می‌کند. افراد را جذب می‌کند تا آن‌ها را در آنجا تربیت کند. جالب است که بعضی از مدرسین مدرسه نظامی میرزا که آموزش نظامی می‌دهند، بعضی از افراد غربی و مستشار داخل ایران هستند که با میرزا آشنا می‌شوند و جذب میرزا می‌شوند. این افراد اینجا آمده بودند که استعمار کنند ولی جذب میرزا می‌شوند و برای جنگیدن با همین استعمار به



کمک میرزای آیند.

یکی از کارهای مهم میرزا در جریان روشنگری، استفاده کردن ایشان از مطبوعات است. به همین جهت چاپخانه‌ای ایجاد می‌کند که کارش این است که بتواند مطالب و اخبار جنگل را به صورت زیرزمینی تهیه و بین مردم پخش کند. مردم باید بدانند چه اتفاقی دارد میفتد. این‌ها زوایای یک نفر نیست. این آخوندی است که بر اساس اعتقاداتش مردم را به خط کرده است. مدیریت نیروی انسانی می‌کند و بعد بر اساس آن داشته‌ها، جریان را پیش می‌برد. میرزا هم چنین چیزی مانند شب‌نامه تشکیل می‌دهد که کارش این است که تنویر افکار عمومی کند. میرزا به همین کارها بسنده نمی‌کند. و با مردم ارتباط چهره به چهره دارد. فعالیت‌های فرهنگی جدی را راه می‌اندازد. همچنین فعالیت‌های اقتصادی برای کمک به مردم انجام می‌دهد. پشتوانه‌های مالی‌اش را از طریق مردم انجام می‌دهد. اطلاع‌رسانی عمومی می‌کند. یکی دیگر از کارهای میرزا این است که سراغ اشخاص تأثیرگذار سیاسی زمان خودش مانند نماینده‌های مجلس

می‌رود و حتی جلساتی را با بعضی از این جریان‌ات استعماری که در داخل کشور مشغول فعالیت هستند، برگزار می‌کند و با آن‌ها گفت‌وگوهای زیادی دارد.





مصاحبه

انقلابی آرمانگرا

تحلیل و بررسی ابعاد شخصیتی میرزا کوچک خان جنگلی

حجت الاسلام مهدی امیدی، استاد حوزه و دانشگاه و عضو هیئت علمی گروه فلسفه سیاسی دایره المعارف علوم عقلی موسسه امام خمینی می‌باشند، در ادامه گفتگوی اختصاصی نشریه عهد با ایشان را می‌خوانید.



عهد: لطفاً به عنوان اولین سوال توضیح مختصری در مورد شخصیت سیاسی و حوزوی میرزا کوچک خان برای مخاطبان نشریه داشته باشید؟

صحبت کردن درباره شخصیت برجسته‌ای که در زمان خودش جز نیروهای بسیار روشن فکر، روحانی، مبارز و قریب الاجتهاد بود، کار سخت و دشواری است. جناب شیخ یونس معروف به میرزا کوچک خان جنگلی، فرمانده‌ای لایق، پرچم‌دار مبارزه با استعمار و استبداد، سیاست‌مداری آزادی‌خواه و عدالت‌طلب باروحیه‌ای انقلابی، مردمی و به شدت تشکیلاتی و رهبری توانمند و صالح بود. میرزا کوچک خان را نباید فقط به عنوان فردی سیاست‌مدار یا مرد سیاست تلقی کرد؛ بلکه یک انسان مسلمان انقلابی آرمان‌گرا و صالح بود که برای دستیابی به اهدافش همانند مولای متقیان امیرالمومنین عمل کرد و از هر وسیله و ابزاری برای رسیدن به اهدافش استفاده نکرد. می‌توان میرزا کوچک خان را به عنوان یک مینیاتور مقاومت در حکومت اسلامی و الگویی برای مبارزین داخلی و خارجی کشور تلقی کرد. و پیامش را استقلال مملکت، حفظ تمامیت ارضی، وطن‌دوستی، آرمان‌خواهی، آزادی‌های سیاسی، توجه به افکار عمومی، تساوی حقوق، مردم‌سالاری، حقوق شهروندی، حقوق روستاها و روستاییان و شهروندان دانست. این‌ها نکاتی است که در مرامنامه نهضت جنگل کاملاً هویدا است. و در اینکه سردار جنگل حضور مردم را برای تعیین سرنوشت خودش در تلفیقی از آموزه‌های دینی و اسلامی مورد توجه قرار می‌داد و آن را جزئی از هویت تاریخی ملت ایران تلقی می‌کرد، تردیدی نیست.

میرزا کوچک خان جنگلی منادی قیام و جنبش عملی از حوزه علمیه بود. او معتقد بود که موعظه و خطابه به تنهایی کفایت نمی‌کند و باید در عمل وارد میدان شد و مفسر عملی قرآن بود. ایشان در مسیر مبارزه خودش از قیام کربلا الهام می‌گیرد و مثل اباعبدالله (ع)، مظلومانه در راه دفاع از اسلام و مبارزه با سلطه بیگانگان به شهادت می‌رسد. ایشان از اساتید به‌نامی در حوزه‌های علمیه بهره‌گرفت که یکی از آن‌ها مرحوم خلخالی بود. مرحوم خلخالی عالمی وارسته و عدالت‌خواه بود. جناب آقای خلخالی همواره در زمان تدریس علوم حوزوی در باب انسان کامل، مدینه فاضله و جامعه‌ای عاری از ظلم و ستم برای طلاب علوم دینی مطلب بیان می‌کرد و میرزا در سایه تربیت چنین استادی رشد و نمو پیدا کرد و بیشتر به مباحث اجتماعی پی برد. سیره عمیق حوزوی میرزا کوچک خان، تأثیر بسیار زیادی در سوگیری نهضت میرزا به سمت اسلام داشت. اینکه میرزا به فرائض دینی و اخلاق اسلامی مقید باشد. اینکه خود را از فاسدان و روشن‌فکران غرب‌زده کنار بکشد و از آن‌ها دوری کند. با سلطه استعمار انگلیس و شوروی کمونیست مبارزه جدی داشته باشد. اینکه صداقت



سیاسی داشته باشد و با کفار زمانی که آن‌ها درصدد هستند که بر کشور سیطره پیدا کنند، مبارزه کند. اینکه همراه با قرآن باشد، به خدا توکل کند، بر شعارهای قرآنی تکیه کند و استبداد و استعمارستیزی جز شعارهای اصلی اش باشد و نوع زندگی اش بر پایه ذوق و قناعت باشد.

عهد: دیدگاه امامین انقلاب نسبت به میرزا کوچک خان چگونه است و آیا عملکرد میرزا مورد تأیید امامین انقلاب بوده است؟

حضرت امام از دوره نوجوانی برای شرکت در نهضت جنگل از خود علاقه نشان می‌دادند و مستمراً پیگیر حوادث نهضت جنگل بود. بنا بر نقل تاریخی، ایشان به رغم رواج قحطی در شهر اراک، سه قاطر بار محموله غذایی برای کمک به نیروهای میرزا به گیلان می‌فرستند. حتی بیان کردند که امام یک بار میرزا کوچک را

در خواب می‌بینند و میرزا با لبخند با ایشان مواجه می‌شوند. بعد از انقلاب هم هر وقت امام میرزا کوچک خان را به یاد می‌آورد، ایشان را جز پیشگامان نهضت علما در صدسال اخیر می‌دانست. مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هم میرزا را یک انقلابی مؤثر در تاریخ اسلام دانست. ایشان می‌فرمایند: «میرزا تنها یک نه بزرگ را به دو قدرت بزرگ دنیای امروز گفت. نه با روس‌ها ساخت و نه با انگلیسی‌ها. با انگلیس و روس

مبارزه کرد در کنار او کسانی بودند که می‌خواستند مبارزه کنند اما سرسپرده روس‌ها شدند. اما میرزا حاضر نشد. او با رضاخان و باکسانی که قبل از او بودند و با احسان‌الله خان کنار نیامد. این مرد باایمان و باصفا اگرچه در وسط جنگل‌های گیلان با مظلومیت مرد، اما شخصیت خود را در تاریخ ایران تثبیت





**حضرت امام از دوره
نوجوانی برای شرکت در
نهضت جنگل از خود علاقه
نشان می‌دادند.**



کرد. یک مشعل و چراغ شد. ما در ایام مبارزه هر بار درباره این شخصیت مطالعه می‌کردیم و شرح حال او را می‌خواندیم، برای مبارزه نیرو و اراده گرفتیم. یک انسان از هویت، اراده و شخصیت خود خرج می‌کند برای اینکه به یک نسل اراده، نیرو و هویت ببخشد و میرزا این کار را کرد. می‌خواهند این مفاخر ارزشمند را از جوان ایرانی بگیرند اما جریان تاریخ نگذاشت و نخواهد گذاشت که امثال میرزا کوچک خان غریب بمانند.» نوع نگاه مقام معظم رهبری نسبت به میرزا این است که ایشان واقعا یک انقلابی کاملاً مؤثر در تاریخ نهضت اسلام است.

آیت الله خامنه‌ای معتقد است که: «نماد شجاعت و مجاهدت مردم گیلان به حق شهید بزرگوار میرزا کوچک خان جنگلی است که برای اسلام، قرآن، دین و در مقابل بیگانگان و متجاوزان در دوران غربت قیام کرد و یاد او هرگز نباید فراموش شود.» مقام معظم رهبری با این بیان مشخص کرد که سوگیری میرزا کوچک خان در باب اسلام و دین بوده است. برخلاف مطالبی که علیه ایشان بیان می‌کنند که میرزا تغییر ایدئولوژی داد و مرام خود را تغییر داد و به سمت انگیزه‌ها و اندیشه‌های کمونیستی حرکت کرد با فرمایش مقام معظم رهبری همراه نیست. از نظر مقام معظم رهبری اینکه دشمنان برای مناطقی از ایران نوعی هجمه تبلیغاتی به کار بردند و بعضی از لطیفه‌ها را برای آنان درست کردند، این‌ها بیشتر به این خاطر است که این نوع مردم در این مناطق سیره مبارزاتی عجیبی داشتند و شخصیت‌های مؤثر در این مناطق در برابر سیطره بیگانه ایستادند. از جمله گیلان، تبریز، مشهد و...

جناب آقای سیدعباس رضوی نقل می‌کند که مقام معظم رهبری در حدود سال‌های ۵۴-۵۵ به من فرمودند: «وقتی به تاریخ مراجعه کردم دیدم آذربایجان به رهبری شیخ محمد خیابانی، خراسان به رهبری کلنل تقی خان پسیان و گیلان به رهبری میرزا کوچک خان علیه استبداد و استثمار و استعمار جانانه جنگیده و پوزه دشمنان را به خاک مالیده‌اند و آن‌ها که در عرصه سیاسی راه به جایی نبرده‌اند در عرصه‌های فرهنگی و توسط ایادی داخلی خود به تخریب مردمان شریف این نواحی پرداخته‌اند تا مردم را نسبت به آنان بدبین کنند و متأسفانه هنوز هم از این حربه ناجوانمردانه بهره می‌گیرند.»



عهد: ممنون از توضیحاتتون، لطفاً برای روشن شدن اهمیت قیام میرزا وضعیت کشور در زمان شکلگیری نهضت جنگل را بیان بفرمایید؟

زمانی که نهضت جنگل اتفاق افتاد باید ببینیم که وضعیت ایران در آن دوره چگونه بود. اگر بخواهیم واقعیت ایران را بررسی کنیم، می‌بینیم که وضعیت در عرصه‌های مختلف بسیار بغرنج و نامطلوب بود. اولاً در زمان مظفرالدین شاه ناراضی‌های عمومی گسترش پیدا کرده بود. زمانی که عین‌الدوله صدراعظم شد مردم اعتراضاتشان را در سراسر کشور بابت نوع مدیریت کشور، به ظهور رساندند. این هم باعث شد که میرزا مجمع روحانیون را در رشت راه‌اندازی کند و هم‌زمان با تحصن علما در سفارت عثمانی ایشان هم در رشت به تحصن نشست.

نکته دوم مسئله مشروطه است که در ایران واقع شد و زمینه پیوستن میرزا به مجاهدین مشروطه را فراهم کرد و میرزا جز شخصیت‌هایی بود که مخالف سلطنت مطلقه بود. ایشان حتی در فتح قزوین و مبارزه با نیروهای استبداد نقش بسزایی داشت. او به عضویت مجلس اتحاد درآمد و مجلس اتحاد هم متشکل از آزادی‌خواهانی بود که در رشت مدافع مشروطه بودند و بعدها که این مجلس به هیئت اتحاد اسلام تغییر نام داد، میرزا کوچک خان رهبری این هیئت را به عهده گرفت. در موقعیت و جایگاه علمی میرزا کوچک خان هم همین بس که ۱۷ نفر از روحانیون برجسته رشت، عضو همین هیئت اتحاد اسلام بودند که رهبری آن بر عهده میرزا کوچک خان بود. نکته سوم اینکه در بعضی از مناطق کشور، شاهزرن‌ها، ترکمن‌ها و ... سر به شورش برداشته بودند و ایران هم از سمتی دیگر جولانگاه قدرت‌های سلطه‌گری مثل روسیه و انگلیس شده بود. هم‌زمان یک قحطی بسیار بزرگ در ایران اتفاق افتاد که انبوهی از جمعیت ایران یعنی بنابر نقل تاریخی حدود ۴۰ درصد از جمعیت ایران را با مرگ مواجه کرد. این امر به این خاطر بود که عده‌ای از تجار و همچنین دربار قاچار منابع غذایی را احتکار کردند و همچنین قشون انگلیس محصولات کشاورزی را از کشاورزان غارت کردند و باعث شد جمعیت انبوهی از مردم از دنیا بروند. این دوره به هولوکاست ایرانی معروف است.

نکته دیگر اینکه کشور استقلال نداشت و از استقلال خارج شده بود. حتی حاکمان هم از استقلال کشور



میرزا جز نیروهای بسیار روشن فکر، روحانی، مبارز و قریب‌الاجتهاد بود.





حمایت نمی‌کردند. امنیت برقرار نبود. بی‌عدالتی گسترش پیدا کرده بود. خودکامگی و استبداد حاکمان بیداد می‌کرد. فساد در تشکیلات دولتی شیوع پیدا کرده بود و یکی از دلایل اصلی مبارزه میرزا، علاوه بر مبارزه با سلطه بیگانگان و استعمار، مبارزه با سلطه و فساد است که درون حکومت و سلطنت اتفاق افتاده بود. اینکه چطور نهضت میرزا شکل گرفت به این صورت بود که با ورود نیروهای تزار روس به ایران و اشغال بخش‌هایی از گیلان و مازندران، میرزا با تشکیل کمیته‌ای نظامی در منطقه کسمای فومن به جذب نیرو و مبارزه با نیروهای اشغالگر پرداخت. رهبری این کمیته به دست خود میرزا بود و مردم مناطق وسیعی از گیلان و مازندران و ترکمن به این کمیته ملحق شدند و به این ترتیب نهضت جنگل به عنوان یک نهضت ضد اشغالگری تحقق پیدا کرد و ظهور یافت.

عهد: یکی از شبهاتی که در فضای مجازی و حقیقی در مورد میرزا کوچک خان مطرح می‌شود این هست که میرزا را شخصیتی تجزیه طلب و ضد ملیت معرفی می‌کنند، نظر شما در مورد این ادعا چیست؟



شبهات بسیاری در مورد میرزا و نهضت ایشان وجود دارد. اولین شبهه‌ای که مطرح می‌شود این است که میرزا به دلیل اینکه یک حکومت جمهوری را در گیلان راه‌اندازی کرد، پس یک شخصیت تجزیه طلب است و دنبال این بود که گیلان را از ایران جدا کند و حکومتی خودمختار شکل دهد. به نظرم این بزرگ‌ترین تهمتی است که به میرزا نسبت می‌دهند. در حالی که خود میرزا بیان می‌کند: «من و یاورانم در مشقت‌های فوق‌الطافه چندین ساله هیچ مقصودی نداشته و نداریم جز حفظ ایران از تعرضات خارجی و



میرزا معتقد بود که موعظه و خطابه به تنهایی کفایت نمی‌کند و باید در عمل وارد میدان شد.



فشار خائنین داخلی و گیلان پاره جدانشدنی و قلب پرتپش ایران است.» به صراحت میرزا بیان می‌کند که این قیامی که صورت گرفته، حتی این حکومتی که شکل گرفته مقدمه‌ای است که در سراسر ایران نظام جمهوری برپا شود. حتی اگر کسی به روزنامه قانون مراجعه کند می‌بیند که مطالبی که در آنجا بیان می‌شد و شعاری که در روزنامه قانون مطرح می‌شد، مسئله جمهوری ایران بود نه جمهوری گیلان و این نکته، نکته بسیار مهمی است. دومین موردی که مطرح کردند و ایراد گرفتند این بود که گفتند ایشان یک شخصیت ضد ملی است. واقعاً این

هم عجیب است. درحالی‌که اگر کارنامه نهضت جنگل را مرور کنید می‌بینید که مثل آفتاب درخشان است. مبارزه با استبداد و استعمار، همراهی با رجال سیاسی خوش نام مشروطه خواه و ایران دوست، همدلی با انقلابیونی مثل شیخ محمد خیابانی در تبریز، کلنل تقی خان در خراسان، شهید مدرس در تهران. رهبر نهضت جنگل همواره از درگیری با قوای مسلط دولتی علیه جنبش دوری می‌جست. این نشان می‌دهد که او یک شخصیت ملی‌گراست. هیچ‌گاه آغازگر نبردهای خونین داخلی نبود و به سوی نیروهای ایرانی آتش نکشید. تمام اقدامات او علیه روس و انگلیس بود و همواره انگشت جنگلیان روی ماشه تفنگ علیه اجنبی بوده است. شخصیت میرزا را می‌توان مدافع استقلال کامل ایران مطرح کرد و دنبال این بود که تشکیلات دولتی اصلاح شود تا نهایتاً ایران استقلال کامل پیدا کند. سردار جنگل می‌گفت: «ماقبل از هر چیز طرفدار استقلال ملت ایران هستیم. استقلالی که به تمام معنی کلمه، یعنی بدون اندک مداخله هیچ دولت اجنبی اصلاحات اساسی مملکت و رفع فساد تشکیلات دولتی - که هرچه بر سر ایران آمده از فساد تشکیلات است - ما طرفدار یگانگی عموم مسلمانان هستیم. این است نظریات ما که تمام ایرانیان را دعوت به هم صدایی کرده و خواستار مساعدتیم.» اینجا میرزا به صراحت بیان می‌کند که من استقلال ایران را می‌خواهم و دنبال این هستم که تشکیلات اداری ایران که دچار فساد شده را اصلاح کنم، تفرقه‌ای که بین مردم ایجاد شده را به وحدت برگردانم و همه این‌ها اهداف نهضت میرزا هستند. این نشان می‌دهد که میرزا نه تنها یک شخصیت ضد مذهبی نبود بلکه در علاقه شدید به نهضت و شوق نسبت به اینکه استقلال واقعی برای کشور حاصل شود، سر از پا نمی‌شناخت.

عهد: برخی میرزا را مدافع کمونیسم یا فراماسونر و مزدور شوروی معرفی می‌کنند لطفاً



پاسخ این ادعاها را هم برای ما بیان بفرمایید؟

اتهام دیگری که به میرزا زدند این بود که گفتند او مدافع کمونیسم بود. قبل از اینکه میرزا به عنوان یک فرد انقلابی در قالب‌های امروز بگنجد، مسلمانی است که مقررات مکتبی‌اش را تحت الشعاع افکار انقلابی خودش قرار نمی‌دهد. همه بعد از یک قرن متفق القول هستند که هسته مرکزی نهضت جنگل و هیئت اتحاد اسلام همچون سدی در برابر بلشویک‌ها بود. سدی در برابر کمونیست‌ها بود. این‌ها می‌خواستند جلوی افکار ضد خداپرستی را بگیرند و اجازه ندهند که کمونیسم تا قلب خلیج فارس و خاورمیانه پیشروی کند. میرزا سرش را در راه عقیده‌ای که داشت فدا کرد و اینجا این اتحاد به هیچ وجه بر میرزا قابل انطباق نیست.

در اتهام دیگری بیان کردند که ایشان مزدور شوروی بوده است. یعنی از ناحیه شوروی مبالغی را دریافت می‌کرد تا ایران را دچار آشوب بکند. واقعیت قضیه این است که در هفت سال حرکت انقلابی نهضت جنگل علیه روس‌ها و انگلیسی‌ها و بلشویک‌ها و دولت مرکزی، انسانی مثل میرزا پیدا می‌شوند که برای پاسداری از عزت و شرف و استقلال ایران و ایرانی حاضر هستند به شهادت برسند و زیر بار دولت‌های خارجی و عوامل مزدور داخلی نروند. وقتی بیان می‌کنند که میرزا مزدور شوروی بوده، ما مقابله میرزا با آن‌ها را شاهد هستیم. اساساً کمک و همیاری بین شوروی سابق و انگلیس و تحریک رضاخان زمینه را فراهم کرد که میرزا نهایتاً به شهادت برسد. یعنی اصل شهادت میرزا از اتفاق میان استعمار و استبداد داخلی حاصل شد.

در اتهام بعدی ایشان را به عنوان یک شخصیت فراماسونری می‌شناسند و معتقدند که ایشان یک روشن فکر غرب زده بود که می‌خواست ایران را بر اساس اهداف کشورهای اروپایی شکل دهد. این هم اتهام بسیار سنگین و بدی است. میرزا بهترین نمونه عملی برای جوانان انقلابی بود. در گوشه و کنار ایران کسانی بودند که رهبر نهضت جنگل را مذهبیه ساده لوح می‌دانستند. بعضی‌ها می‌گفتند طلبه روشن فکر، بعضی‌ها می‌گفتند فراماسونری، بعضی‌ها می‌گفتند عامل خارجی، بعضی‌ها می‌گفتند بلشویک، مارکسیست، سوسیالیست خداپرست. همه این‌ها مانع نشد که جوانان انقلابی به نهضت میرزا بپیوندند. می‌خواهم تعبیری از خود میرزا برایتان بیان کنم که ببینید اتهاماتی که به میرزا می‌زنند تا چه حد صحت دارد. میرزا می‌فرماید: «عجالتاً با رویه‌ای که دشمنان ما پیش گرفته‌اند و شما به خوبی مسئول هستید، شاید به طور موقت یا دائم توانستند موفقیت حاصل نمایند ولی اتکای بنده و همراهان به خداوند دادگری است که در بسیاری از این اتفاقات ما را در پرتو توجهات خود محافظت کرده است. به جز خداوند به هیچ کس



مستظهر نبوده و امیدوارم که توجهات کامله اش شامل حال و بار و معین ما باشد. افسوس می خورم که مردم ایران پس از محو ما خواهند فهمید ما که بودیم و چه می خواستیم چه کردیم. معروف است: التَّعْمَةُ إِذَا فُقِدَتْ عُرِفَتْ. مردم همه منتظرند روزگاری را ببینند که از جمعیت ما اثری به میان نباشد.» یعنی در زمانی که میرزا خودش زنده است، این شبهات را مطرح می کنند. میرزا را عامل خارجی، کمونیسسم، روشن فکری که می خواهد بین امت تفرقه بیندازد، معرفی می کنند در حالی که میرزا به دفاع از خودش برمی خیزد. در ادامه میرزا اضافه می کند: «پس از آنکه نتایج تلخی از سوی افکار و انتظار خود دیدند، آن وقت دو دست ندامت بر سر کوفته، قدر هویت ما را می فهمند. ولی آقای من! امروز دشمنان ما را دزد و غارت گر خطاب می کنند. در صورتی که هیچ قدمی جز در راه آسایش مردم و حفاظت جان و مال و ناموس آن ها برنداشتیم. ما هرگونه اتهاماتی که به ما نسبت می دهند می شنویم و حکمیت را به خداوند قادر و حاکم واگذار می کنیم.» یعنی حتی میرزا می گوید من نمی خواهم وقتم را صرف این ها بکنم و به این ها جواب دهم. من حقم را به خدا واگذار می کنم و خدای تبارک و تعالی است که باید پاسخ این ها را بدهد. «عجالتاً تحت تقدیرات الهی هستیم تا ببینیم کار به کجا منتهی خواهد گردید.» این خیلی نکته جالبی است که میرزا با اینکه خودش با تمام وجود برای استقلال کشور حرکت می کند اما عده ای هستند که همواره تلاش می کنند تا میرزا را جز کسانی قرار بدهند که از ناحیه دشمن مبالغی دریافت می کند یا درصدد هست که سیاست های آن ها را در کشور اجرا کند.

عهد: به نظر شما آیا میرزا کوچک خان توانسته است در فرماندهی نهضت جنگل موفق عمل کند و کارنامه موفقی از خود به جای بگذارد؟

اتهامی که به میرزا زدند این بود که نوع فرماندهی میرزا یک فرماندهی کور و بی هدف بود. اصلاً مشخص نبود که میرزا دنبال چه چیزی است و به همین جهت نیروهای خودش را از دست داد. نکته ای که می خواهم درباره این قضیه بیان کنم این است که جنگلی ها انسان هایی آگاه به مسائل روز بودند. نسبت به حوادث داخلی و خارجی کاملاً آشراف داشتند. علی رغم اینکه مخالفین حرف هایی علیه نهضت جنگل می زدند و این جور اتهامات را مطرح می کردند، در روزنامه جنگل تحلیل هایی درباره جنگ جهانی و جغرافیای سیاسی منطقه و موضع گیری در روال کشورهای مختلف دیده می شود که نشان گر این است که رهبر نهضت میرزا کوچک خان و فرماندهی نظامی منطقه سعدالله خان درویش و دکتر حشمت، نسبت به معادلات سیاسی و مواضع روس و انگیس و دولت مرکزی کاملاً دارند آگاهانه عمل می کنند. یعنی یک فرمانده لایقی که می داند در



کجا و چگونه باید رفتار کند. اینکه می بینید میرزا در برابر نیروهای داخلی عقب نشینی می کند، این به این معنا نیست که فرماندهی ناآگاه باشد. میرزای خواهد خون بی گناهای که جز نیروهای مسلمان هستند، روی زمین ریخته نشود و میرزا تا جایی که می تواند با این ها مقابله نکند و روبرو نشود. و الا در برابر دشمن هیچ عقب نشینی نداشت و کاملاً مصمم در برابر آن ها می ایستاد.

از طرف دیگر اگر می خواهید میرزا را به خوبی بشناسید، باید ببینید در همین مدت کوتاهی که میرزا در گیلان به عنوان رهبر نهضت مطرح بود، چه خدماتی انجام داد. در تمام ۳۹ شماره ای که از روزنامه جنگل منتشر شد، محور بحث میرزا این بود که نهضت جنگل نگاهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامی باشد. تعبیر واضح و روشن روزنامه قانون همین بود. نگاهبان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامی. این هدف اساسی اش بود و نشان می دهد که میرزا در این راه داشت قدم برمی داشت.

خدمت دیگری که انجام داد تشکیل هیئت اتحاد اسلام بود که مدرسی به سبک جدید ایجاد کرد. دبیرستان نظام را تأسیس کرد. راه ها و جاده ها را تشکیل داد. محاکم قضایی را برای خدمت به مردم به راه انداخت. کارهای مطبوعاتی انجام داد. همین نفس روزنامه قانون یک کار فرهنگی و مطبوعاتی بود. در زمانی که قحطی بزرگ اتفاق افتاد (از سال ۱۲۹۶ تا سال ۱۲۹۸) میرزا

توانست منابع غذایی و کشاورزی را به خوبی مدیریت کند. بحران قحطی که در گیلان و در ایران اتفاق افتاده بود، کاری کرد که مهار شود. حتی روزنامه نگارهای خارجی هم بیان می کنند که زمانی که قحطی اتفاق افتاد، تنها جایی که بهترین شکل مدیریت را شاهد بودیم، در همین نهضت



سردار شهید جنگل، روحانی مبارز
شیخ یونس استاد سرائی

ملقب به

میرزا کوچک خان جنگلی

رهبر نهضت جنگل

ولادت: ۱۲۵۹ هجری قمری | شهادت: ۱۱ آذر ماه ۱۳۰۰ هجری قمری



جنگل در گیلان به رهبری میرزا کوچک خان بود. در همان دوران قحطی میرزا محصولات کشاورزی را برای

کمک به مردم تهران می فرستاد. و کسانی که از نقاط مختلف ایران قحطی زده بودند به نهضت جنگل پناه می آوردند و میرزا برای رفع گرسنگی آنان اقدام می کرد. این کار بسیار بزرگی بود که در آن زمان میرزا انجام داد. خدمات بی شماری در گیلان در همان مدت حکومتش در حوزه عمرانی داشته که جز خدمات میرزا محسوب می شود.

اینکه چرا نهضت جنگل به رغم این قدرت و صلابتی که پیدا کرده بود با شکست مواجه شد این است که اولاً، دولت های بیگانه تلاش کردند که عده ای جاسوس و نیروهای وارسته را در نهضت جاسازی کنند و این یکی از عواملی بود که نهضت جنگل با مشکل مواجه شد. نکته دوم این بود که دولت مرکزی با کمک دولت های بیگانه با تمام توان تلاش کرد تا نهضت و قیام را سرکوب کند. نکته بعدی هم دستی دولت های شوروی و انگلیس برای نابودی نهضت است و سرانجام خیانت برخی از یاران نزدیک میرزا در دولت جمهوری مثل احسان الله خان بود که توانستند ضربه ای سنگین به میرزا وارد کنند. به هر حال دست های پنهان و پیدای روس ها و دیپلماسی انگلستان و راه یابی عوامل نفوذی در جنگل مثل احسان الله خان و خالو قربان و همچنین درد منشی رضاخان، این ها همه زمینه را فراهم کرد تا نهضت جنگل بعد از هفت سال حکومت میرزا کوچک خان در شمال ایران با شکست مواجه شود. سرانجام میرزا در آذر سال ۱۳۰۰ به خاطر پرهیز از درگیری با نیروهای ملی، در سرمای شدید منطقه بدن شریفش یخ می زند و به شهادت می رسند. سپس سر ایشان قطع می شود و قاتل سر این مجاهد خدا را برای دریافت جایزه به دربار رضاشاه منتقل می کند.

صاحب امتیاز: خانه طلاب جوان سردبیر: محمد گوهری تحریریه: فرهاد نقدی، رضا صمدی فر

انتقادات و پیشنهادات خود را از طریق آی دی 67.gohari@ در پیام رسان ایتا با ما در میان بگذارید

«عهد» قلم های شما را به یاری می خواند. «عهد» دست های شما را برای توزیع جبهه ای، به یاری می خواند.



بارکد
نرم افزار
نشریه عهد

تلفن تحریریه: ۰۲۵۳۲۶۰۳۶۷۷

رایانامه: ahd.magazine@chmail.ir

سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۸۷۷۷۱۱۰۱۱۴

@nashriyehahd

